تواتر قرائات سبع نزد زمخشری

شاگرد:«ولا نسلّم تواتر القراءات السبع ، وإن ذهب إليه بعض الأصوليين[1]».

استاد: بله، السبع دارد. منابع زرقانی را ببینید. بخشی که من از منابع خواندهام را ببینید. پنج-شش شماره گذاشته که خیلی نافع است. یکی از آنها نقل قول ابن حاجب است. ابن حاجب حتماً تواتر را قبول دارد فقط در اصول و نحوه ادا آمده گفته که معلوم نیست. چه کاری به سر او آوردهاند! ای ابن حاجب تو کسی نیستی که از این حرفها بزنی. در فرش القرائات که این را نگفته است. اگر یادتان باشد مرحوم آقای خوئی که در البیان جواب ابن حاجب را میدادند، من در آن جا عرض کردم که نمیتوان جواب ابن حاجب را داد. فایل های آن موجود است. ابن حاجب در غیر از فرش القرائات یک حرفی دارد که زرقانی در آن جا میآورد. یعنی خود ابن حاجب یکی از کسانی است که متن کافیه است، برای او تواتر سبع قطعی است. آن چه که میگویید در اصول و نحوه ادا است. مثلاً میگویید مدش چقدر است، امالهٔ متوسط است یا نه. میگویید معلوم نیست که اینها متواتر هست یا نه. حالا عبارت ابن حاجب را بعداً میخوانیم. حالا عبارت را بخوانیم، مطالبی را هم در ذیل آن عرض میکنم.

از زمخشری هم ان شاء الله عرض میکنم. زمخشری کلمهٔ تواتر را ندارد. بلکه او از باب ادب بودنش قرائات را سنجش میکند و برخی از آنها را تخطئه میکند. به همین خاطر است که از دست او ناراحت هستند. به او میگویند تو چرا به قرائتی که وحی الهی است خدشه میکنی؟! اینها متواتر است. یک عبارتی از زمخشری هست که خیلی بعدنابال آن گشتم، من پیدا نکردم.

این عبارت در حدائق هست. حدائق هم میگوید شیخ ما از زمخشری نقل کرده که زمخشری گفته ذمه مکلف بریء نمیشود مگر اینکه مکلف همه این قرائات را بخواند و الا قاعده اشتغال میآید. می گوید شیخ ما اینطور نقل کرده . من قبل از ایشان این عبارت را از کسی ندیده ام. در عبارات مختلف هم گشتم تا ببینم اصل عبارت زمخشری چیست و کجا گفته است اما هنوز آن را پیدا نکردهام. نظر شما باشد تا آن را پیدا کنید. در حدائق پیدا کنید. ایشان هم در اینجا میآورد. اما زمخشری چنین عبارتی ندارد. اتفاقا در چاپ جدید مفتاح الکرامه در تعلیقه نوشته اند «لم نجده». ما هم چنین نقلی را از زمخشری پیدا نکردیم.

ببینید سید نعمت الله باب جدیدی را فتح کردند. مطلبی که تا الآن مفصل سیطره پیدا کرده را آن ها باب کردند و خودشان میگویند جمهور المجتهدین من اصحابنا مخالف ما هستند. اما وقتی میخواهند از این طرف اسم ببرند تنها اسم سه نفر را میبرند. ابن طاووس در سعد السعود، نجم الائمه رضی در شرح کافیه و زمخشری. خب نجم الائمه هم که کتاب فقهی ندارند. کتاب حدیث هم ندارند. بلکه در مقام کتاب نحوی دارند به یک قرائت اداری میگیرند. یعنی اگر شما به نجم الائمه نسبت بدهید که قرائت دوم حمزه هم متواتر نیست، یک چیز اضافه ای را به ایشان نسبت میدهید. ایشان میگوید من قبول ندارم که این قرائت او متواتر باشد، این بخاطر این است که کوفی بوده. درست است که در کل خدشه را میاندازند. اما ما به ایشان نسبت نفی میدهیم و می

گوییم ایشان می‌گویند عدم تواتر در سبع یعنی همه قرائات! درحالی‌که ایشان این را نمی‌گویند.

---

[1]شرح الرضيّ علی الكافية ج۲ص۲۶۱

بازبینی #2
ایجاد شده 20 مارس 2024 18:48:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2024 15:12:52 توسط ... .